

گزارشی از پایان نامه «تحلیل اجتهادی داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا در قرآن کریم»

حمید نادری قهفرخی^۱

چکیده

یکی از وقایع نقل شده در قرآن کریم، داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا در سوره نمل است. مفسران و محققان ضمن تفسیر آیات مربوط به این داستان، با ارائه نکات ارزنده، تا حدود زیادی ابعاد آن را روشن کرده‌اند؛ اما با این حال همچنان دو کاستی مشاهده می‌شود: اول: هنوز ابعادی از این ماجرا ناشناخته مانده است؛ دوم: بدون توجه کافی به نتایج کاربردی این داستان، فقط به تفسیر آیات پرداخته‌اند؛ از این رو این نوشتار با به‌کارگیری روشی توصیفی-تحلیلی برای رسیدن به اهدافی مانند روشن ساختن برخی از زوایای کشف نشده داستان و ایجاد ربط منطقی بین تمام اجزاء آن، بررسی و پاسخ‌گویی به شبهه‌های مطرح شده پیرامون جهاد ابتدایی، دیدگاه قرآن کریم به شخصیت زن و غیره، اثبات قدرت مدیریتی انبیاء در دعوت انسان‌های مستعد به توحید، توسعه ادله قرآنی پیرامون مسائلی مثل جهاد ابتدایی، حکومت زنان و ارزیابی پاره‌ای از روایات موجود پیرامون شخصیت زن در صدد تحلیل همه جانبه داستان سلیمان علیه السلام و ملکه سبا است. تحلیل این داستان نشان می‌دهد، حضرت سلیمان علیه السلام در دو اقدام ابتدایی خود با به چالش کشیدن حکومت ملکه سبا موانع دعوت آنان به توحید را از بین برد و در دو اقدام آخر با ارائه معجزه و استدلال، زمینه را برای ایمان آوردن ملکه فراهم کرد؛ بررسی رفتار ملکه سبا نیز نشان می‌دهد، وی دارای شخصیتی مودب، اهل مشورت، عاقبت‌اندیش،

۱. دانش‌آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم و استادیار گروه معارف دانشگاه شهرکرد؛

حق‌پذیر، تیزبین و غیره است؛ از این تحلیل‌ها می‌توان در جهت اثبات جهاد ابتدایی، بررسی جواز حکومت زنان، کشف نگاه قرآن کریم نسبت به شخصیت زن، بررسی میزان دلالت احادیث ثابت کننده نقص برای زنان مانند عدم جواز مشورت با آنان و همچنین جواب دادن به شبهه‌ها بهره گرفت.

واژگان کلیدی: سلیمان علیه السلام، ملکه سبأ، سوره نمل، جهاد ابتدایی، مدیریت حکومتی، حکومت زنان، شخصیت زن، قرآن کریم

مقدمه

یکی از وقایع نقل شده در قرآن کریم، داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبأ است؛ این داستان به صورت مفصل و یکپارچه در سوره نمل مطرح شده است؛ از این رو اغلب تفاسیر به خصوص تفاسیر با گرایش اجتماعی به تحلیل این داستان پرداخته و نکات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند، اما با این حال کاستی‌هایی مشاهده می‌شود:

۱. بین بعضی از اجزاء این داستان تقریباً در هیچ تفسیری به صورت منطقی و منسجم ارتباط برقرار نشده است؛ به عنوان مثال توجیه قابل توجهی برای برقراری ارتباط بین ناشناس کردن تخت و ورود ملکه به قصر بلورین ارائه نشده است.

۲. شیوه حضرت سلیمان علیه السلام در دعوت ملکه سبأ به توحید شیوه‌ای منحصر به فرد در قرآن است که هیچ پیامبری از آن استفاده نکرده است؛ اما در هیچ تفسیری این شیوه مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار نگرفته است.

۳. بررسی مسئله جواز جهاد ابتدایی و پاسخ دادن به شبهه‌های مطرح شده در این زمینه با تکیه بر این داستان؛ متأسفانه هیچ کتاب یا مقاله‌ای با بهره‌گیری از این داستان که به بررسی این مسئله پرداخته باشد، یافت نشد.

۴. نحوه تعامل حاکم با افراد تحت حکومت خود که تاکنون به صورت مستقل در نوشته یا مقاله‌ای مورد بررسی قرار نگرفته و فقط در برخی تفاسیر به صورت پراکنده و ناقص به نکاتی از آن اشاره شده است.

۵. بررسی دیدگاه اسلام به شخصیت زن با تکیه بر شخصیت ملکه سبأ؛ البته به صورت پراکنده در آثار محققان از این داستان استفاده شده است؛ اما در عین حال این استفاده به صورت جامع و در برخی مواقع عمیق نیست.

۶. بررسی روایات موجود پیرامون شخصیت زن از قبیل «هن ناقصات العقول» و ارزیابی آن‌ها با عرضه به این داستان؛ هرچند به صورت پراکنده از این داستان در این

زمینه استفاده شده است، اما در عین حال به صورت جامع نیست.

۷. بررسی میزان دلالت این داستان بر جواز حکومت زنان؛ برای نخستین بار موافقان حکومت زنان بر جامعه این داستان را به حوزه استدلال در این زمینه وارد و از آن برای اثبات جواز این حکم استفاده کردند؛ با ورود این داستان به عرصه استدلال ها، مخالفان حکم مذکور با طرح اشکالات زیادی دلالت این داستان را بر این مطلب نپذیرفتند؛ اما چون سابقه استدلال به این داستان چندان طولانی نیست، به نظر می رسد موضع هر دو طرف نیازمند بررسی جدی است تا بتوان قضاوتی جامع درباره این مسأله ارائه داد؛ این بررسی تا کنون در جایی ارائه نشده است.

در این نوشتار ضمن بهره گیری از تلاش های پرارزش گذشتگان، تلاش شده با ارائه تحلیلی دقیق از این داستان، گامی نو در ارائه نکات جدید و تکمیل تحقیقات گذشتگان در زمینه های مورد اشاره برداشته شود؛ نوشتار پیش رو گزارشی کوتاه از پایان نامه یاد شده با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین استاد سید علیرضا (ابوالقاسم) حسینی و مشاوره حجت الاسلام و المسلمین استاد حسین جوان آراسته است که برای مقطع سطح چهار حوزه علمیه قم نگاشته شده و در تیر ماه ۱۳۹۴ با داوری حجت الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی و محمدتقی دیاری بیدگلی، موفق به دفاع و کسب نمره عالی گردیده است

۱. گزارش ساختار

این پایان نامه به دنبال جواب دادن به یک سوال بود: «چگونه می توان به تحلیلی اجتهادی از داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبأ دست یافت؟» برای جواب دادن به این سوال با توجه به دو شخصیت اصلی این داستان دو سوال دیگر مطرح شد: سوال فرعی اول: با توجه به چه مؤلفه هایی می توان عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام در داستان مذکور را به صورت اجتهادی تحلیل کرد؟ به این سوال در ضمن سه سوال دیگر در بخش اول پایان نامه جواب داده شد: «تعامل حضرت سلیمان علیه السلام با افراد تحت حکومت خود چگونه بود؟»، «حضرت سلیمان علیه السلام با استفاده از چه شیوه ای ملکه سبأ را به توحید دعوت کرد؟» و «نتایج کاربردی تحلیل اجتهادی عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام در داستان مذکور چیست؟»

سوال فرعی دوم: با توجه به چه مؤلفه هایی می توان عملکرد ملکه سبأ در داستان مذکور را به صورت اجتهادی تحلیل کرد؟ به این سوال در ضمن سه سوال دیگر در بخش دوم پایان نامه پاسخ داده شد: «تحلیل نحوه تعامل ملکه سبأ با افراد تحت حکومت خود

چه نکاتی را آشکار می‌کند؟»؛ «تحلیل عملکرد ملکه سبأ در برابر حضرت سلیمان علیه السلام چه شخصیتی از وی ترسیم می‌کند؟» و «نتایج کاربردی تحلیل اجتهادی عملکرد ملکه سبأ در داستان مذکور چیست؟»

این پایان‌نامه در نهایت با بهره‌گیری از ۲۷۴ کتاب و مقاله در ۱۷۹ صفحه (با احتساب نتیجه‌گیری و کتابنامه) سامان یافت.

۲. گزارش محتوا

این پایان‌نامه در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول به «تحلیل اجتهادی عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام» و در بخش دوم به «تحلیل اجتهادی عملکرد ملکه سبأ» می‌پردازد.

۲.۱. گزیده بخش اول: تحلیل اجتهادی عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام

این بخش شامل چندین فصل است که مهم‌ترین مباحث مطرح شده در آن عبارتند از:

۲.۱.۱. تحلیل برخورد حضرت سلیمان علیه السلام با هدهد

براساس آیات سوره نمل حضرت سلیمان علیه السلام در مقابل غیبت کوتاه‌مدت هدهد سه وضعیت مشخص کرد: عذاب شدید، ذبح یا ارائه دلیلی روشن برای توجیه غیبت. تأملی کوتاه در این برخورد این سوال را مطرح می‌کند که: چرا باید پیامبری مانند سلیمان علیه السلام با یک پرنده به خاطر غیبتی کوتاه چنین برخوردی داشته باشد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد جواب دقیقی برای این سوال در تفاسیر ارائه نشده است؛ این درحالی است که پاسخ ندادن به این سوال می‌تواند زمینه‌ساز متهم کردن آن حضرت به خشونت طلبی و نقض حقوق حیوانات باشد.

تحلیل این برخورد با در نظر گرفتن «چهار قاعده عقلانی» نشان می‌دهد رفتار سلیمان علیه السلام با هدهد کاملاً حکمیانه و عقلانی است؛ این قواعد عبارتند از: «توجه به قدرت مکلف در واگذاری مسئولیت»، «متهم بودن شخص مسئول در صورت وقوع نارسائی در حیطه مسئولیت وی»، «برخورد مقتدرانه و عادلانه با متهم» و «لزوم وجود تناسب بین جرم و جزای آن».

۲.۱.۲. تحلیل عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام در تعامل با نزدیکان

از تحلیل عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام در تعامل با نزدیکان نتایجی مثل ایجاد رقابت در بین افراد برای بروز استعدادها، ایجاد زمینه توسط حاکمان اسلامی برای معرفی وصی و افراد شایسته، شکرگزاری بعد از رسیدن نعمتی به انسان به راحتی و بدون نیاز به توضیحی خاص قابل برداشت است؛ اما بررسی اجمالی این داستان با توجه به سایر ادله (مثل روایات) نشان می‌دهد که استخراج برخی از نتایج کاربردی مثل «تعیین خصوصیات

کارگزاران حکومت دینی» و «کشف جایگاه بلند اهل بیت (علیهم السلام)» با فراهم کردن مقدماتی به راحتی امکان پذیر است.

۲،۱،۳. تحلیل عملکرد حضرت سلیمان (علیه السلام) در برخورد با ملکه سبا

براساس آیات سوره نمل، حضرت سلیمان (علیه السلام) با انجام چهار عمل زمینه تسلیم شدن ملکه خورشیدپرست سبا را در برابر خداوند متعال فراهم کرد: نوشتن نامه، نپذیرفتن هدیه ملکه و تهدید آنان به حمله نظامی، احضار و ناشناس کردن تخت ملکه و دعوت وی به قصر بلورین؛ همه مفسران بر این باورند که آن حضرت نامه خود را از بُعد پیامبری و برای دعوت ملکه به توحید نوشت؛ این مفسران با همین نگاه، به تحلیل بقیه اقدامات آن حضرت پرداخته و نکاتی را روشن کرده‌اند، اما تقریباً هیچ کدام از آنان تبیین صحیح و دقیقی از ارتباط بین این اقدامات، به خصوص دو اقدام آخر با یکدیگر و دو اقدام اول ارائه نکرده‌اند. تحلیل این داستان نشان می‌دهد حضرت سلیمان (علیه السلام) با نوشتن نامه، از بُعد فرمانروایی خود (نه بُعد پیامبری) بدون ارائه هیچ گونه معجزه و استدلالی و تهدید سنگین ملکه به حمله نظامی، بعد از مشاهده هدایا، موانع دعوت ملکه به توحید را رفع کرد؛ آن حضرت در دو اقدام آخر با ارائه معجزه و استدلال در قالب احضار تخت و قصر بلورین، زمینه‌ای فراهم کرد تا ملکه ضمن اعتراف به بطلان خورشیدپرستی تسلیم خداوند متعال شود؛ بررسی این داستان با این نگاه قدرت مدیریتی انبیاء الهی در دعوت به توحید را به خوبی ثابت می‌کند.

۲،۱،۴. نگرش تاریخی به تشریح جهاد ابتدایی در پرتو تحلیل مواجهه حضرت سلیمان (علیه السلام) با ملکه سبا^۲

یکی از مباحث مطرح شده در فقه اسلامی «جهاد ابتدایی» است؛ این جهاد دارای چهار مولفه: «جنگیدن با اذن امام معصوم»، «علیه کفار»، «ابتداءً بدون هیچ حرکت ایدائی از جانب کفار نسبت به مسلمانان»، «برای دعوت آنان به اسلام» است؛ محققان در تحلیل این جهاد دو رویکرد متفاوت دارند؛ فقهاء زیادی آن را همانند ضروری دین و از مسلمات فقه شیعه می‌دانند؛ اما از نظر برخی متفکران اثبات این جهاد علاوه بر نداشتن مقتضی مبتلا به موانع عقلی و نقلی است. بررسی دو رویکرد نشان می‌دهد هیچ کدام از آنها در مباحث خود هیچ اشاره‌ای نفیاً یا اثباتاً به داستان حضرت سلیمان (علیه السلام) و ملکه سبا نداشته‌اند. این درحالی است که به نظر می‌رسد داستان قابلیت زیادی برای زدودن موانع و ابهام‌های تئوری چنین جهادی، دست‌کم در نگاه تاریخی در خود دارد.

۲. مقاله‌ای با همین عنوان در مجله علمی-پژوهشی فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد مورد پذیرش قرار گرفت.

بررسی مؤلفه های جهاد ابتدایی نشان می دهد داستان ملکه سبا می تواند سندی برای نفی استبعاد و استظهار اصل مشروعیت این جهاد به منظور رفع موانع دعوت به اسلام باشد؛ زیرا چهار مؤلفه چنین جهادی در آن وجود دارد و موانع عقلی و نقلی مورد ادعا هم با توجه به عملکرد حضرت سلیمان علیه السلام قابل رفع هستند.

۲،۲. گزیده بخش دوم: تحلیل اجتهادی عملکرد ملکه سبا

این بخش شامل چند فصل است. مهم ترین مباحث مطرح شده در آن عبارتند از:

۲،۲،۱. تحلیل عملکرد ملکه سبا در مواجهه با حضرت سلیمان علیه السلام

محققان در تحلیل شخصیت ملکه سبا دو رویکرد کاملاً متفاوت دارند. از نظر برخی، وی فردی مستبد بود که با مردم همانند بردگان رفتار می کرد و حکومت وی باعث رکود جامعه سبا و رواج خورشیدپرستی شده است؛ اما در مقابل عده ای دیگر بر این باورند که قرآن کریم هیچ گونه انتقادی نسبت به زمامداری ملکه نکرده؛ از این رو حاکمیت وی مورد تأیید خداوند است؛ بررسی ادله این رویکردها نشان می دهد عدم بررسی دقیق آیات مربوط به این بحث نقطه مشترک هر دو رویکرد است؛ پرداختن به این بحث به خاطر قرآنی بودن شخصیت ملکه و قابلیت او برای تبدیل شدن به یک الگوی هدایتی مثبت یا منفی کاملاً روشن است.

تحلیل همه جانبه رفتار و سخنان ملکه سبا در سوره نمل نشان می دهد ادله رویکرد بدبینانه، قوت چندانی ندارند و ملکه در مجموع دارای شخصیتی مودب، اهل مشورت، عاقبت اندیش، حق پذیر، تیزبین و تیزهوش بوده؛ این ملکه، قوم، خود را به بردگی نگرفته و هیچ نقشی در خورشیدپرستی آنان نداشته است.^۳ توضیح اینکه برخی محققان با استناد به «فقره» «تَمْلِكُهُمْ» در آیه «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ» بر این باورند که ملکه سبا پادشاه مستبدی بود که گویا مردم سبا برده او بودند. همچنین برخی دیگر با استناد به تقدم «ملکه» بر «قوم او» در آیه «وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ» این نتیجه را برداشت کرده اند که خورشید پرستی مردم سبا ریشه در رفتار ملکه داشته است، اما بررسی ها نشان می دهد استدلال این محققان توانایی اثبات مدعای آنان را ندارد.

۲،۲،۲. ارزیابی روایات وارده پیرامون شخصیت زن با عرضه آنها به داستان

یکی از مسائل مورد توجه متفکران معاصر، دیدگاه اسلام راجع به شخصیت زن است؛ از

۳. مقاله ای با عنوان «نگرشی کاربردی به رفتار شناسی ملکه سبا در تعامل با افراد سرزمین خویش» از این فصل استخراج شد که در مجله علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات تفسیری دانشگاه معارف مورد پذیرش قرار گرفت.

نگاه برخی از آنان دیدگاه اسلام در این زمینه با انتقادات جدی مواجه است؛ اما در مقابل برخی دیگر با ارائه شواهد و قرائن زیادی ثابت کرده‌اند که نگاه اسلام نه تنها مشکلی ندارد، بلکه کاملاً عقلانی و واقع‌نما است؛ اگرچه این تلاش‌ها ثمرات ارزنده‌ای را به بار آورده؛ اما باین حال به نظر می‌رسد یکی از کاستی‌های موجود در این زمینه، عدم توجه کافی به شخصیت‌های زن در قرآن کریم از جمله ملکه سبأ است؛ این درحالی است که ملکه سبأ یک زن معمولی نیست، بلکه فرمانروای یک سرزمین است و خداوند رفتارها و ویژگی‌های مثبتی را از وی نقل می‌کند؛ به نظر می‌رسد در ارائه نگاه جامع اسلام به شخصیت زن، باید به این رفتارها و ویژگی‌ها به اندازه کافی توجه شود؛ زیرا اولاً: با اثبات ویژگی‌های مثبت ملکه سبأ در کتابی که سراسر آن نور و هدایت برای مردم است، به راحتی می‌توان ادعا کرد که زن از دیدگاه قرآن کریم می‌تواند دارای شخصیتی مودب، مدبر، زیرک، کاردان، حق‌پذیر و غیره باشد؛ ثانیاً: در پاره‌ای از روایات اسلامی مباحثی چون «ناقص بودن عقل زنان»، «عدم جواز مشورت با آنان»، «عدم جواز سرپرستی زنان بر جامعه» و غیره مطرح شده است؛ از طرف دیگری از راه‌های اعتبارسنجی روایات، عرضه آن‌ها به قرآن کریم است؛ با عرضه این روایات به این داستان می‌توان راجع به صحت یا میزان دلالت آن‌ها قضاوتی عادلانه داشت؛ بر همین اساس در این فصل ضمن تبیین اجمالی مبانی و مفهوم عرضه روایات به قرآن کریم برای اعتبارسنجی آنان، با استفاده از مطالب فصل گذشته به بررسی روایات مورد اشاره در این زمینه، تحت عناوین ذیل پرداخته شد: «۱. تبیین اجمالی مبانی و مفهوم عرضه روایات به قرآن کریم»؛ «۲. بررسی روایات ناقص بودن عقل زنان»؛ «۳. بررسی روایات عدم جواز مشورت با زنان»؛ «۴. بررسی روایات عدم جواز سرپرستی زنان بر جامعه». عرضه این روایات بر این داستان ثابت میکند که بر فرض صحت اسناد روایات، کلیت آنها قابل استناد نیست.

۲،۲،۳. بررسی میزان دلالت داستان ملکه سبأ در قرآن کریم بر جواز حکومت زنان

برخی از محققان با استناد به داستان ملکه سبأ و برخلاف دیدگاه رایج بین فقهاء، بر این باورند که رهبری و مدیریت زنان بر جامعه اشکالی ندارد؛ زیرا خداوند در این داستان هیچ انتقادی به زن بودن حاکم سبأ نکرده است. درحالی‌که روش قرآن کریم به‌گونه‌ای است که هر جا سخن یا کاری را نقل کند و بر آن اعتراضی وارد باشد، بلافاصله تذکر می‌دهد؛ در مقابل، برخی دیگر از محققان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با وارد کردن چهارده اشکال چنین استدلالی را نپذیرفته‌اند.

بررسی نظرات موافقان و مخالفان این استدلال و تحلیل داستان نشان می‌دهد که اگرچه قرآن انتقاداتی را متوجه ملکه سبا و قوم وی کرده است؛ اما نسبت به حاکمیت یک زن بر قوم سبا اعتراضی ندارد؛ از این رو، این داستان می‌تواند بر جواز حاکمیت و رهبری زنان بر جامعه دلالت داشته باشد.

در نهایت به نظر می‌رسد توجه به این داستان می‌تواند نقش موثری در گسترش ادله فقهی و به‌کارگیری قرآن کریم در عرصه‌های جدید علمی و عملی داشته باشد.